

پژوهشهای حقوقی

شماره ۱۲

هزار و سیصد و هشتاد و شش - نیمسال دوم

مقالات

- حقیقت و مجاز حقوق هسته‌ای ایران در پرتو قطعنامه ۱۸۰۳ شورای امنیت
- بررسی روابط حقوقی طرفهای اعتبار اسنادی الکترونیک
- ممنوعیت جمع مشاغل در حقوق ایران با نگاهی به حقوق فرانسه
- شرکتهای خصوصی نظامی و امنیتی و حقوق بین‌المللی بشردوستانه
- تشخیص بزه سیاسی و تأثیر رویه دیوان عالی کشور بر آن در فرانسه
- مطالعه تطبیقی تعزیر خصوصی با نظریه کیفر خصوصی متجاوز به حقوق معنوی

موضوع ویژه: حقوق راهنمایی و رانندگی

- تأثیر قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی در قانونمداری رفتارهای اجتماعی
- پیوند قواعد بیمه‌ای و حقوق حوادث رانندگی
- حقوق و تکالیف عابران پیاده در ترافیک
- نگاهی به راهکارهای قانونی حمایت از عابر پیاده
- جنایت غیر عمدی ناشی از تقصیر در رانندگی
- سازمان ملل متحد و مقابله با «بحران جهانی سوانح رانندگی»

نقد و معرفی

- نقدی بر قانون جدید ثبت اختراعات (مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۳)
- نقش اینترپل در مبارزه با قاچاق بین‌المللی مواد مخدر





شرکتهای خصوصی نظامی و امنیتی و حقوق بین‌المللی بشر دوستانه

پوریا عسکری*

چکیده: گسترش حضور شرکتهای نظامی خصوصی در درگیری‌های بین‌المللی معاصر و بویژه مشارکت مستقیم کارکنان اینگونه شرکتهای در مخاصمات مسلحانه، موجب طرح مباحث و چالشهایی در حوزه حقوق بین‌المللی بشر دوستانه شده است. برای پاسخ‌گویی به ادعاهایی که به ناتوانی حقوق بین‌الملل در رویارویی با پدیده شرکتهای نظامی خصوصی مطرح شده است از یک سو تعیین وضعیت کارکنان این شرکتهای از منظر حقوق بشر دوستانه (به عنوان نظامی، غیرنظامی یا مزدور) باید مورد توجه قرار گیرد و از سویی دیگر با توجه به تعهد بین‌المللی دولتها به مراعات و تضمین مراعات حقوق بین‌المللی بشر دوستانه، باید زمینه‌های طرح مسؤلیت بین‌المللی دولتها در نقض این تعهد عام‌الشمول با به‌کارگیری شرکتهای نظامی خصوصی، تبیین گردد.

کلیدواژه‌ها: تعهد به رعایت، تعهد به تضمین رعایت، حقوق بین‌المللی بشر دوستانه، شرکتهای خصوصی نظامی، مزدور، مشارکت مستقیم در مخاصمات.

مقدمه

تهاجم نظامی ایالات متحده به عراق در سال ۲۰۰۳، از بدو آن تا امروز همواره مورد توجه محافل حقوقی جهان بوده و از جمله مواردی که میان حقوقدانان بسیار مورد بحث و تبادل نظر قرار گرفته است، حضور شرکتهای نظامی خصوصی^۱ در عراق است. البته باید

* دانشجوی دوره دکترای حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه علامه طباطبائی و مشاور حقوقی کمیته بین‌المللی صلیب سرخ.

۱. شرکتهای خصوصی نظامی یا امنیتی که با عناوین "Private Military Companies" یا (PMCs/PSCs)

خاطرنشان شود که حضور اینگونه شرکتها در جریان مخاصمات مسلحانه امری جدید محسوب نمی‌شود بلکه آنچه جالب توجه است افزایش تعداد این شرکتها و نیز تغییر ماهیت اقداماتی است که توسط کارکنان آنها صورت می‌گیرد. به عبارت دیگر می‌توان قائل بر آن بود که ظرف سالهای اخیر، دولتها عملاً در قالب قراردادهایی، شرکت‌های نظامی خصوصی را به اقداماتی گمارده‌اند که سابقاً در حوزه انحصاری دولتها محسوب می‌گردید.^۲ عمده فعالیت‌هایی که در قالب اقدامات جدید این شرکتها قرار دارد عبارتند از: حفاظت از اشخاص و اموال نظامی، آموزش و راهنمایی نیروهای مسلح، اداره سیستم‌های مربوط به تسلیحات، پرداختن به امور افراد تحت بازداشت و نهایتاً جنگیدن یا مشارکت مستقیم در مخاصمات.^۳

بی‌تردید آنچه بیش از سایر عوامل می‌تواند مورد نظر باشد «شرکت مستقیم» کارکنان این شرکتها در مخاصمات مسلحانه است که عملاً زمینه طرح بحث در حوزه حقوق بین‌الملل بشردوستانه را فراهم می‌آورد.^۴ حقوق بین‌المللی بشردوستانه یا حقوق مخاصمات مسلحانه، شاخه‌ای از حقوق بین‌الملل است که به مسائل مطرح در درگیری‌های مسلحانه می‌پردازد و از این‌رو زمانی که کارکنان شرکت‌های نظامی خصوصی به نحوی در مخاصمات مشارکت داشته باشند، حقوق بین‌المللی بشردوستانه باید وضعیت آنان و حقوق و تعهدات آنان را مورد نظر قرار دهد.

همانطور که گفته شد، روزانه شاهد افزایش تعداد شرکت‌های خصوصی نظامی در سراسر جهان می‌باشیم و از سویی دیگر مشاهده می‌کنیم که عملاً دولتهایی وجود دارند که مایلند تا با عقد قرارداد با این شرکتها، عملاً مسائل دفاعی و نظامی خود را در اختیار این

←

"Private Security Companies" از آنها یاد می‌شود.

۲. البته در عمل علاوه بر دولتها، سازمانهای بین‌المللی دولتی و غیردولتی نیز در عملیات نظامی خود از این شرکتها بهره جسته‌اند. برای مثال نک:

Oldrich Bares, "Private Military Companies: A Second Best Peacekeeping Option?", *International Peacekeeping*, v. 12, n. 4, Winter 2005, pp. 533-546.

۳. حقوق بین‌الملل بشردوستانه و چالش‌های ناشی از درگیری‌های مسلحانه معاصر، سی‌امین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر: 30IC/07/8. 4, 2007

4. Christian Schaller, "Private Security and Military Companies under the International Law of Armed Conflicts", in *Private Military and Security Companies*, VS VERLAG, 2007, pp. 345-361.

شرکتها قرار دهند. برای مثال تنها آمریکا در خلال سالهای ۱۹۹۴ تا ۲۰۰۲ تعداد سه هزار قرارداد به ارزش بالغ بر ۳۰۰ میلیارد دلار با این شرکتها منعقد نموده بود^۵ که این عدد در سالهای بعد و در جریان جنگ عراق افزایش بسیاری یافته است به نحوی که گزارش شده حدود یک سوم از هزینه‌هایی که ایالات متحده در عراق متحمل شده، صرف استخدام شرکتهاى نظامى خصوصى گشته است.^۶

توجه به این آمارها و سایر قراردادهایی که توسط کشورها با اینگونه شرکتها منعقد شده است، مشخص می‌نماید که در آینده می‌توان پیش‌بینی نمود که تعداد این شرکتها باز هم افزایش یابد و یا حتی مخاصماتی را شاهد باشیم که اغلب رزمندگان حاضر در آن را کارکنان این شرکتها تشکیل داده باشند.^۷ علت این امر هم آن است که از یک‌سو برای بسیاری از کشورها و بویژه کشورهایی که سطح معیشت مردم در آنها نسبتاً خوب می‌باشد، تأمین هزینه‌های مربوط به ارتشهای دائمی بسیار سنگین است و از این‌رو این کشورها ترجیح داده‌اند تا تعداد پرسنل نظامی خود را کاهش دهند و چنانچه جنگی رخ داد از کارکنان این شرکتها به جای نیروهای مسلح خود استفاده کنند^۸ و از سویی دیگر در جنگهای مدرن و با توجه به توسعه فناوری‌های مربوط به تسلیحات و جنگ‌افزارها، دیگر نمی‌توان از سربازان عادی کشورها انتظار داشت که بتوانند به آسانی با فناوری جنگی بسیار پیشرفته خو گرفته و آن را به‌کار گیرند و این در حالی است که دولتها به هنگام عقد قرارداد با شرکتهاى نظامى خصوصى مى‌توانند علاوه بر مجهز بودن شرکت به جنگ‌افزارهای مدرن، آشنایی کارکنان شرکت با تسلیحات نوین را نیز شرط کنند.^۹

افزایش تعداد شرکتهاى نظامى خصوصى از یک‌سو و تغییر ماهیت اقدامات این شرکتها از سویی دیگر، عده‌ای را بر آن داشته تا بر این پندار باشند که در مورد شرکتها در

5. <http://www.publicintegrity.org/bow/report.aspx?aid=148>.

6. David Leigh, "Who Commands the Private Soldiers?", *The Guardian*, 17 May 2004.

7. Doug Brooks, "A New Twist on a Long Military Tradition", *The Boston Globe*, 19 October 2003; E.L. Gaston, "Mercenarism 2.0? The Rise of the Modern Private Security Industry and its Implications for International Humanitarian Law", *Harvard International Law Journal*, v. 49, n. 1, 2008, pp. 222-248.

۸ در مورد کشوری مثل آمریکا البته این استدلال را باید از دریچه‌ای دیگر نگریست و آن هم فشار افکار عمومی این کشور برای کشته شدن سربازان آمریکایی در اقصی نقاط جهان و بویژه در عراق است که با به‌کارگیری این شرکتها، عملاً دیگر سربازان آمریکایی روزه‌روز مشارکت کمتری در جریان مخاصمات خطرناک خواهند داشت.

9. <http://www.icrc.org/web/eng/siteeng0.nsf/htmlall/privitisation-war-230506>.

نظام حقوق بین‌الملل خلأ وجود دارد. از این رو در این مقاله تلاش شده تا حداقل فارغ از مباحث مربوط به جواز یا عدم جواز تأسیس یا به‌کارگیری این شرکتها در حقوق بین‌الملل، موضوع از منظر حقوق بین‌الملل بشردوستانه مورد مذاقه قرار گیرد تا از یک طرف وضعیت، حقوق و تعهدات کارکنان این شرکتها مطابق حقوق بین‌المللی بشردوستانه مطالعه گردد و از سویی دیگر تعهدات و مسؤولیت بین‌المللی دولتها مطابق حقوق بین‌الملل و بویژه حقوق مخاصمات مسلحانه در مواجهه با این شرکتها مشخص شود.^{۱۰}

مبحث اول: زمینه‌های به‌کارگیری شرکت‌های خصوصی نظامی

پیش از آنکه بخواهیم به مباحث حقوقی ناشی از پیدایش و توسعه شرکت‌های نظامی خصوصی بپردازیم ناگزیر باید زمینه‌های مختلف فعالیت این شرکتها را بررسی نماییم. همانطور که سابقاً اشاره شد می‌توان فعالیتهای این شرکتها را در چهار قالب گوناگون مورد مطالعه و بررسی قرار داد: پشتیبانی از عملیات نظامی، راهنمایی و آموزش قوای مسلح دولتی، خدمات امنیتی و مشارکت مستقیم در عملیات نظامی.^{۱۱}

الف - پشتیبانی از عملیات نظامی

اولین مورد از اقسام فعالیتهای اینگونه شرکتها، پشتیبانی عملیات و اقدامات نظامی است که در این مورد می‌توان به خدماتی که به فعالیتهایی از قبیل آشپزی، نظافت و مخابرات اشتغال دارند، اشاره نمود.^{۱۲} البته خدمات لجستیکی یا پشتیبانی می‌تواند همچنین شامل حفظ و نگهداری سیستمهای پیچیده تسلیحاتی نیز باشد.^{۱۳} در مورد عراق علاوه بر اینها،

۱۰. لازم به ذکر است که دولت سوئیس با همکاری کمیته بین‌المللی صلیب سرخ مطالعات گسترده‌ای را از سال ۲۰۰۶ در خصوص این موضوع آغاز نموده و جلساتی را نیز با حضور نمایندگان دولتها برگزار کرده است. در سومین دور مذاکرات با حضور ۱۸ کشور که در ۱۶ آوریل سال ۲۰۰۸ در سوئیس پایان یافت، ابراز امیدواری شده است که این طرح تا پایان سال ۲۰۰۸ به نتیجه نهایی منتج شود. اطلاعات مربوط به این پروژه در وب سایت ذیل قابل دسترسی است: <http://www.eda.admin.ch/psc>.

۱۱. البته مشخص است که سه مورد اول تنها چنانچه در فضای جنگی صورت گیرد مورد توجه حقوق بین‌المللی بشردوستانه قرار خواهند گرفت.

12. Brooks, *op. cit.*

13. Steven J. Zamparelli, "Contractors on the Battlefield – What Have We Signed up For?",

مشاهده شده که حمل و نقل نفرات از طریق کارکنان این شرکتها صورت گرفته است. در سال ۲۰۰۴ چهار نفر از افراد یکی از معروف‌ترین این شرکتها به اسم «بلک واتر»^{۱۴} به هنگام حمل و نقل اغذیه برای قوای مسلح، کشته شدند.

ب - مشاوره، آموزش و برنامه‌ریزی

مشاوره، آموزش و برنامه‌ریزی برای نیروهای مسلح از جمله اقداماتی است که از دیرباز توسط شرکت‌های خصوصی انجام می‌گرفته است. برای مثال در سال ۱۹۷۵، یک شرکت امنیتی خصوصی آمریکایی^{۱۵} با عقد قراردادی به مبلغ ۷۷ میلیون دلار، آموزش گارد ملی عربستان سعودی را عهده‌دار شد^{۱۶} و در ادامه فعالیتهای خود در عربستان سعودی، آموزشهای مربوط به دفاع ضد سلاحهای شیمیایی و ترندهای ضد اطلاعاتی را به قوای مسلح این کشور بر عهده گرفت. البته باید خاطرنشان کرد که اغلب کارکنان این شرکتها که به امور آموزشی و مشاوره نیروهای مسلح اشتغال دارند، دارای سوابق و پیشینه نظامی هستند.

شرکتهای نظامی همچنین به برنامه‌ریزی برای نیروهای مسلح کشورها اشتغال دارند که برنامه‌ریزی در سه گونه راهبردی، کاربردی و تاکتیکی انجام می‌پذیرد و معمولاً قراردادهای این شرکتها با دولتها شامل تمام موارد آموزش، مشاوره و برنامه‌ریزی می‌باشد. برای مثال در سال ۱۹۹۴ دولت کرواسی طی قراردادی با یکی از این شرکتها، برنامه‌ریزی برای افزایش توان و ظرفیت نیروهای مسلح کرواسی را به این شرکت واگذار نمود.

ج - خدمات امنیتی

در اجرای این وظیفه، شرکت طرف قرارداد، امنیت اشخاص، اموال و اماکن حائز اهمیت را تعهد می‌کند. در مطالعه این نوع از خدمات شرکت‌های نظامی باید توجه داشت که عده‌ای معتقدند اقدام آنها تنها از نوع تدافعی است یعنی برخلاف شق چهارم که ذیلاً

←

Air Force Journal of Logistics, v. 23, n. 3, 1999.

14. Black Water Security Consulting.

15. Vinnel Corporation.

16. *www.publicintegrity.org*, *op. cit.*

مطرح می‌شود، در اینجا استخدام کارکنان شرکت تنها به منظور دفاع از موارد فوق صورت گرفته و به هیچ‌وجه بعد تهاجمی و یا مشارکت مستقیم (از نوع تهاجم) را دربر نمی‌گیرد.^{۱۷} برای نمونه می‌توان به مأموریت شرکت نظامی بلک واتر در حفاظت از پل برمر در عراق یا مأموریت شرکت *Dyn Crop* در مراقبت از حامد کرزای در افغانستان اشاره نمود.^{۱۸} از نظر نگارنده و اکثریت حقوقدانان چنین تقسیمی در حقوق بین‌الملل بشردوستانه وجود ندارد و بنابراین حتی چنانچه عملیات دفاعی با توسل به زور همراه شود به منزله شرکت مستقیم در مخاصمه تلقی خواهد شد.

د - مشارکت فعال در جریان مخاصمات

چالش برانگیزترین زمینه فعالیتهای شرکتهای نظامی خصوصی هنگامی مطرح می‌شود که کارکنان این شرکتها به صورت فعال در مخاصمات مشارکت مستقیم داشته باشند. می‌توان به عنوان اولین نمونه‌های اینگونه فعالیت شرکتهای نظامی به عملیتهای شرکت EO^{۱۹} در آنگولا و سیرالئون اشاره نمود.^{۲۰} اما صحنه اصلی مشارکت مستقیم این شرکتها در مخاصمات را به واقع باید در عراق و تا حدودی در افغانستان جستجو نماییم.

مبحث دوم: وضعیت، حقوق و تعهدات کارکنان شرکتهای نظامی خصوصی بر طبق حقوق بین‌المللی بشردوستانه^{۲۱}

همانطور که اشاره شد، عده‌ای بر این باورند که حقوق بین‌الملل در رویارویی با پدیده «شرکتهای نظامی خصوصی» ناکارآمد است و نمی‌تواند وضعیت حقوق و تعهدات خاص این شرکتها را تبیین نماید. از نقطه نظر حقوق بین‌المللی بشردوستانه باید گفت اگرچه در معاهدات بین‌المللی مربوطه، ذکری از این شرکتها نیامده است، اما کارکنان و افراد شاغل در این شرکتها از منظر حقوق بشردوستانه بین‌المللی با توجه به اقداماتی که انجام

17. Nicki Boldt, "Private Military Companies and International Humanitarian Law", *German Yearbook of International Law*, v. 47, 2004, pp. 502-544.

18. David Isenberg, "Security for Sale in Afghanistan", *Asian Times*, 4 January 2003.

19. Executive Outcomes.

20. Alice E. Fuchs, "Searching for Resources, Offering Security... Private Military Companies in Sierra Leone", *Private Military and Security Companies*, op. cit., pp. 105-121.

21. 30IC/07/8. 4, *op. cit.*

می‌دهند می‌توانند در گروه‌های مختلفی که دقیقاً از نظر معاهدات و حقوق بشردوستانه عرفی مشخص گردیده، قرار گیرند. ذیلاً وضعیت‌های مختلفی را که ممکن است برای کارکنان شرکتهای خصوصی نظامی حادث شود، مورد توجه قرار می‌دهیم.

الف - کارکنان شرکتهای نظامی خصوصی به عنوان اعضای نیروهای مسلح یک دولت

نیروهای مسلح یک طرف مخاصمه مرکب از کلیه نیروهای مسلح سازمان‌یافته، گروه‌ها و واحدهایی است که تحت نظر فرماندهی قرار دارند. نیروهای مسلح باید تابع نظام انضباطی داخلی باشند و از جمله باید حقوق بین‌المللی حاکم بر مخاصمات را مورد اجرا قرار دهند.^{۲۲} با توجه به بندهای اول، دوم و سوم پاراگراف الف ماده چهار کنوانسیون سوم ژنو ۱۹۴۹، می‌توان گفت چنانچه کارکنان شرکتهای نظامی خصوصی را بخواهیم به عنوان اعضای نیروهای مسلح یک دولت قرار دهیم دو فرض قابل تصور است: در فرض اول کارکنان این شرکتها را به عنوان اعضای نیروهای مسلح یکی از متخاصمین و همچنین اعضای چریک و دسته‌های داوطلب که جزء نیروهای مسلح مزبور باشند و یا اعضای نیروهای مسلح منظم که خود را وابسته به دولت یا مقامی معرفی نمایند تلقی می‌کنیم؛ و در فرض دوم، اعضای سایر چریکها و اعضای سایر دسته‌های داوطلب به انضمام اعضای نهضت‌های مقاومت متشکل «متعلق به یک دولت متخاصم» که یک نفر رئیس در رأس آن باشد، دارای علامت مشخصه ثابتی باشند که از دور قابل تشخیص باشد، علناً حمل اسلحه نمایند و در عملیات خود مطابق حقوق عرفی جنگ رفتار نمایند.^{۲۳} افراد مشروحه فوق چنانچه توسط نیروهای دشمن دستگیر شوند «اسیر جنگی» تلقی شده و از تمام حمایت‌های موجود در حقوق بین‌المللی بشردوستانه قراردادی و عرفی مربوط به اسرای جنگی بهره‌مند می‌گردند، از جمله آنکه نمی‌توان این افراد را به صرف شرکت در مخاصمات محاکمه نمود.

۲۲. ماده ۴۳، پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷.

۲۳. مطابق حقوق بین‌الملل بشردوستانه این تنها نیروهای مسلح دولتها هستند که می‌توانند به عنوان «رزمنده» محسوب گردند. بنابراین تنها چنانچه شرکت خصوصی در استخدام یک دولت باشد احتمال اینکه کارکنان آن شرکت به عنوان «رزمنده» محسوب شوند، وجود خواهد داشت.

اما آیا می‌توان کارکنان شرکتهای نظامی خصوصی را به عنوان رزمندگان عضو نیروهای مسلح یک دولت در نظر گرفت؟ پاسخ به این پرسش بیش از هر چیز دیگری در حقوق داخلی دولتها نهفته است. چراکه در واقع این قانونگذار ملی است که مشخص می‌نماید چه افرادی داخل در نیروهای مسلح آن قرار می‌گیرند.^{۲۴} اما رویه فعلی شاهد آن است که تا امروز سابقه شرکتهایی که در نیروهای مسلح دولتها به این صورت تلفیق شده باشند، چندان زیاد نمی‌باشد.^{۲۵} اگرچه در ادامه توضیح خواهیم داد که احتمال تلفیق کارکنان این شرکتها در نیروهای مسلح در آینده چندان هم بعید به نظر نمی‌رسد.

ب - کارکنان شرکتهای نظامی خصوصی به عنوان غیرنظامیان همراه نیروهای مسلح

بند چهارم پاراگراف الف ماده چهار کنوانسیون سوم ژنو، حاوی یک استثناء بسیار مهم است. مطابق این بند کسانی که همراه نیروهای مسلح هستند بی‌آنکه مستقیماً جزو آن نیروها باشند از قبیل اعضای غیرنظامی کارکنان هواپیماهای جنگی، خبرنگاران جنگی، تهیه‌کنندگان اجناس، اعضا واحدهای کار یا خدمت که عهده‌دار آسایش نیروهای مسلح هستند، چنانچه به دست دشمن بیافتند، اسیر جنگی محسوب می‌شوند مشروط به اینکه از طرف نیروهای مسلحی که همراه آنان بوده‌اند، مجوز داشته باشند. برای این منظور نیروهای مسلح مزبور مکلفند کارت هویتی به این قبیل اشخاص تسلیم نمایند. همان طور که مشاهده می‌شود در این بند با یک استثناء مواجه هستیم به این صورت که مطابق بند ۱ ماده ۵۰ پروتکل اول الحاقی، افراد مشروحه در بند چهارم فوق غیرنظامی محسوب می‌شوند و نه «رزمنده» اما غیرنظامیانی که چنانچه به دست دشمن دستگیر شوند، اسیر جنگی به حساب می‌آیند در حالی که در واقع عضوی از اعضای نیروهای مسلح یکی از متخاصمین نمی‌باشند.^{۲۶}

24. Emanuela – Chiara Gillard, "Business Goes to War: Private Military/ Security Companies and International Humanitarian Law", *International Review of the Red Cross*, v. 88, n. 863, 2006, pp. 525-572, p. 532.

25. 30 IC/07/8. 4, *op. cit.*

۲۶. باید توجه داشت که افراد همراه نیروهای مسلح تنها زمانی شامل استثناء مطرح در بند ۴ پاراگراف الف ماده ۴ کنوانسیون سوم خواهند بود که اولاً واقعاً خدماتی را به نیروهای مسلح ارائه نمایند و ثانیاً به هیچ وجه در مخاصمات مستقیماً شرکت نداشته باشند.

با توجه به این مباحث می‌توان گفت کارکنان شرکتهای نظامی خصوصی نیز چنانچه به عنوان خدمه یا برای ارائه حمایت‌های لجستیکی و یا حتی برای نگهداری و اداره برخی امور مربوط به تسلیحات و فناوری‌های جنگی همراه نیروهای مسلح باشند و مطابق نص این ماده کارت هویتی به همراه داشته باشند،^{۲۷} داخل در این دسته قرار خواهند گرفت و چنانچه توسط نیروهای طرف دیگر مخاصمه دستگیر شوند، همچون اعضای نیروهای مسلح می‌توانند از وضعیت «اسیر جنگی» بهره‌مند شوند، مشروط بر آنکه مشارکت مستقیم در مخاصمه نداشته باشند.

ج - کارکنان شرکتهای نظامی خصوصی به عنوان غیرنظامی

با توجه به بند ۱ ماده ۵۰ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیونهای چهارگانه ۱۹۴۹، چنانچه کارکنان شرکتهای نظامی را نتوان در هیچ‌یک از گروه‌های پیش‌گفته قرار داد، باید آنان را غیرنظامی تلقی نمود. علاوه بر این کارکنان شرکتهای خصوصی طرف قرارداد با موجودیتهایی که دولت محسوب نمی‌شوند از قبیل سازمانهای بین‌الدولی، سازمانهای غیردولتی و حتی گروه‌های مسلح سازمان‌یافته‌ای که در مخاصمه‌ای غیربین‌المللی شرکت دارند را نیز باید غیرنظامی دانست.^{۲۸} حقوق بشردوستانه بین‌المللی با تأکید بر اصل تفکیک میان نظامیان و غیرنظامیان به دسته اخیر در مقابل حملات مصونیت داده است. بنابراین کارکنان شرکتهای نظامی نیز به عنوان «غیرنظامی» مصون از هرگونه حمله و تحت حمایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه قرار دارند، مگر آنکه اقداماتی انجام دهند که به منزله «مشارکت مستقیم در مخاصمه» منظور شود که در این حالت همچون غیرنظامیانی که مستقیماً در درگیری شرکت جسته‌اند، در طول مدت شرکت در درگیری، مصونیت خود را از دست می‌دهند و به عنوان هدف نظامی تلقی شده و دیگر از حمایت‌های فوق بهره‌مند نخواهند شد^{۲۹} و چنانچه دستگیر شوند مطابق حقوق داخلی دولت دستگیرکننده و تنها به دلیل شرکت در مخاصمه قابل محاکمه و مجازات خواهند بود. البته نباید از یاد برد که این

۲۷. برخی از نویسندگان بر این باورند که قرارداد میان شرکت نظامی و دولت می‌تواند به خودی خود جایگزین

کارت هویت محسوب شود. نک: E-C Gillard, *op. cit.*, p. 537.

28. *Ibid.*, p. 539.

29. 30IC/07/8. 4, *op. cit.*

افراد کماکان مورد حمایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه قرار دارند به این ترتیب که چنانچه در جریان یک درگیری بین‌المللی دستگیر شوند کنوانسیون چهارم ژنو، ماده ۷۵ پروتکل اول الحاقی و حقوق بشردوستانه عرفی و موازین بین‌المللی حقوق بشر، آنها را از حداقل حمایتها بهره‌مند خواهند ساخت و اگر در جریان یک درگیری غیربین‌المللی دستگیر شوند ماده سه مشترک کنوانسیونهای ژنو، پروتکل دوم الحاقی و حقوق بشردوستانه عرفی حاکم بر مخاصمات غیربین‌المللی به همراه موازین بین‌المللی حقوق بشر، آنها را از حداقل حمایتها بهره‌مند می‌سازند.^{۳۰}

د - کارکنان شرکتهای نظامی خصوصی به عنوان مزدور

کارکنان شرکتهای نظامی خصوصی، در بسیاری از موارد و بویژه در مطبوعات و رسانه‌های عمومی به عنوان «مزدور» خوانده می‌شوند و البته در تمام موارد نویسنده یا گزارشگر علت این نامگذاری را دستمزد هنگفت روزانه این افراد مطرح نموده است.^{۳۱} اما باید دید به واقع از منظر حقوق بین‌المللی بشردوستانه، مزدور کیست و دارای چه اوصافی است. در ابتدا باید به این واقعیت اقرار نمود که مزدوران در تمامی ازمنه وجود داشته‌اند و علت آن هم این است که فعالیت این گروه از افراد مورد توجه و تا حدودی استقبال اکثر کشورها بوده است.^{۳۲} اما در خلال سالهای ۷۰-۱۹۶۰ موضوع گسترش به‌کارگیری مزدوران بویژه در قاره آفریقا سبب شد تا موضوع در سازمان ملل متحد و کنفرانس ژنو (۷-۱۹۷۴)

۳۰. مفهوم عبارت «شرکت مستقیم در درگیری»، از جمله مفاهیم بسیار پیچیده‌ای است که بحث در آن خصوص در حوصله این مقاله نمی‌گنجد. برای مشاهده آخرین دستاوردهای پروژه مطالعاتی مشترک کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و مؤسسه TMC Asser Institute در تبیین این مفهوم به پایگاه اینترنتی زیر مراجعه کنید:

<http://www.icrc.org/web/eng/siteeng0.nsf/html/pacticipation-hostilities-ihl311205>.

در خصوص بحث مشارکت مستقیم کارکنان شرکتهای خصوصی در درگیری‌های مسلحانه نک:

Maurice Voyame, "The Notion of "Direct Participation in Hostilities" and its Implications on the Use of Private Contractors under International Humanitarian Law", in *Private Military and Security Companies*, op. cit. , pp. 361-377.

۳۱. برای مثال نک: کریم جعفری، «بلک واتر محافظ امپراتوری»، *روزنامه اعتماد ملی*، ش ۴۹۴، ۵ آبان ۱۳۸۶،

ص ۹.

32. Anthony Aust, *Handbook of International Law*, Cambridge University Press, 2006, p. 258.

مطرح شود^{۳۳} و پروتکل اول الحاقی ۱۹۷۷ به کنوانسیونهای چهارگانه ژنو در ماده ۴۷ به مسأله مزدوران پرداخت و وضعیت حقوقی این افراد را مطابق حقوق بین‌المللی بشردوستانه مشخص نمود. به علاوه در نتیجه تلاشهای جامعه بین‌المللی و بویژه کشورهای آفریقایی در سال ۱۹۷۷، کنوانسیون سازمان وحدت آفریقا (اتحادیه آفریقا) برای امحاء مزدوری در آفریقا^{۳۴} به تصویب رسید که در سال ۱۹۸۵ لازم‌الاجرا شد و متعاقب آن در سال ۱۹۸۹ در سازمان ملل متحد، کنوانسیون بین‌المللی منع نفرگیری، به‌کارگیری، تأمین مالی و آموزش مزدوران^{۳۵} به تصویب رسید که در سال ۲۰۰۱ لازم‌الاجرا شد.^{۳۶} با مطالعه این اسناد به‌طور کلی می‌توان گفت حقوق بین‌الملل، دولتها را از به‌کارگیری نهادهای خصوصی برای تأمین امنیت و یا ارائه خدمات نظامی منع نکرده و تنها مجازاتی که برای مزدوران در نظر گرفته شده، این است که این افراد را از کسب وضعیت رزمنده و به تبع آن وضعیت اسیر جنگی محروم ساخته است. از سویی دیگر اسناد بین‌المللی با ارائه تعریف بسیار مضیقی که از «مزدور» به دست داده‌اند، عملاً دایره شمول تعریف را بسیار محدود کرده‌اند.^{۳۷}

مطابق بند دوم ماده ۴۷ پروتکل اول الحاقی به کنوانسیونهای چهارگانه ژنو «مزدور کسی است که: الف - در محل یا از خارج برای جنگیدن در مخاصمه مسلحانه استخدام

33. Antonio Cassese, *International Law*, Oxford University Press, 2nd Edition: 2005, p. 408.

34. The 1977 Organization of African Unity Convention of the Elimination of Mercenarism in Africa, OAU Doc CM/ 433/Rev. 1.

35. The 1989 United Nations International Convention against the Recruitment, Use, Financing and Training of Mercenaries, at *United Nations Treaty Series*, v. 2163, p. 75.

۳۶. لازم به ذکر است بر خلاف اینکه کنوانسیون پس از ۱۲ سال از تصویب آن لازم‌الاجرا شده است، اما تعداد

اعضای آن از ۳۰ کشور تجاوز نمی‌کند و همین مسأله مؤید آن است که هنوز در جامعه بین‌المللی اتفاق

نظری در خصوص به‌کارگیری مزدوران به‌طور کامل محقق نشده است. به همین دلیل در سال ۲۰۰۵

کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد گروهی کاری را برای بررسی به‌کارگیری مزدوران به عنوان یکی از

اسباب نقض حقوق بشر، تعیین نمود. گروه کاری تا امروز دو گزارش تهیه نموده و در گزارشهای خود از

تمام دولتها برای عضویت در کنوانسیون دعوت نموده است. گروه کاری در گزارش دوم خود که در ۲۴ اوت

سال ۲۰۰۷ منتشر شده (A/62/301) از گسترش به‌کارگیری شرکتهای خصوصی نظامی در مخاصمات

مسلحانه امروزی به شدت ابراز نگرانی نموده است. برای اطلاعات بیشتر نک:

The Working Group on the Use of mercenaries as a Means of Violating Human Rights and Impeding the Exercise of the Right of Peoples Self-determination, at: www.ohchr.org/english/issues/mercenaries/index.htm.

37. Laura A. Dickson, "Accountability of Private Security Contractors under International and Domestic Law", *ASIL Insights*, v. 11, Issue 31, December 26, 2007.

شده باشد؛ ب - عملاً به‌طور مستقیم در مخاصمات شرکت داشته باشد؛ ج - انگیزه اصلی وی از شرکت در مخاصمات، اساساً منافع شخصی باشد و در واقع از جانب یک طرف مخاصمه و یا نماینده آن، به او وعده پاداش مادی داده شده باشد که بسیار بیشتر از مبلغی است که به رزمندگان هم درجه و دارای وظایف مشابه در نیروهای مسلح آن طرف مخاصمه پرداخت و یا وعده آن داده می‌شود؛ ه - عضو نیروهای مسلح یک طرف مخاصمه نباشد؛ و در نهایت، و - از جانب دولتی که طرف مخاصمه نیست، به عنوان عضوی از نیروهای مسلح آن دولت به منظور انجام وظیفه رسمی اعزام نشده باشد». در مورد پروتکل اول الحاقی لازم به ذکر است که این پروتکل اصولاً متوجه مخاصمات مسلحانه بین‌المللی است و ماده ۴۷ آن هم تنها در این شرایط و یا در حالت اشغال نظامی (مطابق کنوانسیون چهارم ژنو) قابل اعمال است. بنابراین باید گفت اصولاً حقوق بین‌المللی بشردوستانه حکم خاصی را در مورد وضعیت و شرایط «مزدور» در مخاصمات غیربین‌المللی بیان نمی‌کند و یا به عبارتی بهتری این وضعیت در اینگونه درگیری‌ها شناسایی نشده است. البته با توجه به اینکه وضعیت «اسیر جنگی» هم تنها در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی مورد شناسایی قرار گرفته، باید گفت در مخاصمات غیربین‌المللی چنانچه تمام شرایط مزدور هم در فردی جمع باشد، وضعیت وی همچون وضعیت فرد دیگری است که مستقیماً در مخاصمه داخلی شرکت داشته است. این فرد به صرف مشارکت در مخاصمه مطابق حقوق داخلی قابل محاکمه و مجازات است و در عین حال از حمایت‌های مطرح در ماده سه مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه، پروتکل دوم الحاقی و حقوق بشردوستانه عرفی و در نهایت موازین بین‌المللی حقوق بشر منتفع می‌گردد.

حال با توجه به این تعریف محدود، باید دید آیا می‌توان پرسنل شرکتهای نظامی خصوصی را در آن گنجانید یا خیر. بحث را با نقل قول از ظریفی آغاز می‌کنیم که به کنایه در مورد تعریف مضیق فوق گفته است چنانچه مزدوری نتواند با توجه به این تعریف محدود، خود را از شمول آن برهاند هم او و هم وکیل مدافع او مستحق مرگ می‌باشند.^{۳۸}

38. Geoffrey Best, *Humanity in Warfare: The Modern History of International Law of Armed Conflict*, 1980, p. 328.

برای مطالعه بیشتر در خصوص وضعیت «مزدور» نک:

Sarah Percy, *Mercenaries*, Oxford University Press, 2007; Marco Sassoli and Antoine A. Bouvier, *How Does Law Protect in War?*, ICRC Publication, 2nd Edition, 2006, v. II, pp. 575-591; Alexandre Faite, "Involvement of Private Contractors in Armed Conflict:

با توجه به شروط شش‌گانه موصوف در ماده ۴۷ پروتکل الحاقی و دایره شمول محدود آنها، نمی‌توان یک حکم کلی مبنی بر شمول یا عدم شمول تعریف «مزدور» بر کارکنان شرکتهای نظامی خصوصی صادر کرد. بنابراین در هر مورد و با توجه به شرایط قضیه، باید موضوع مورد بررسی قرار گیرد. البته با توجه به واقعیات موجود و مشهود بویژه در عراق و افغانستان، می‌توان گفت شروط «ب» و «ج» در مورد کارکنان این شرکتهای صادق است. شرط مشارکت مستقیم در مخاصمه اگر وجود نداشته باشد (که البته در بسیاری از موارد هم وجود ندارد)، اصولاً بحث از مزدور معنایی ندارد و همانطور که سابقاً بیان شد می‌توان کارکنان این شرکتهای را که به صورت مستقیم در درگیری‌ها شرکت نمی‌کنند به عنوان غیرنظامی و یا غیرنظامی همراه نیروهای مسلح قلمداد نمود. شرط وجود انگیزه مادی هم که اصولاً فلسفه پیدایش و فعالیت شرکتهای نظامی و پرسنل آنهاست. به‌طوری که گفته می‌شود برخی از پرسنل این شرکتهای در عراق روزانه ۲۰۰۰ دلار (حدود ۲۰ میلیون ریال) دستمزد دریافت می‌کنند که این مبلغ هنگفت به هیچ‌وجه قابل قیاس با حقوق پرسنل نظامی عضو نیروهای مسلح نمی‌باشد! در مورد بند «ه» و عضویت در نیروهای مسلح نیز باید در نظر داشته باشیم که شناسایی این افراد به عنوان اعضای نیروهای مسلح، در اختیار دولتی است که آنها را استخدام می‌نماید. بنابراین چندان دور از ذهن هم به نظر نمی‌رسد که دولتها در عمل و برای رهایی خود از مسؤولیتهای ناشی از به‌کارگیری و استفاده از مزدوران، شرایطی را فراهم کنند که پرسنل اینگونه شرکتهای را رسماً در نیروهای مسلح خود ادغام نمایند. همانطور که قبلاً نیز اشاره شد، در این مورد هنوز مصداقی وجود ندارد اما می‌توان بر آن بود که در آینده، چنین اعمالی از دولتها سرزند و به هر حال چنانچه دولتی شرایط ادغام یا استخدام این افراد را در کادر نظامی و ارتش ملی خود فراهم آورد، دیگر نمی‌توان از آنها به عنوان مزدور یاد کرد چراکه شرط مربوط به عدم عضویت در نیروهای مسلح، مفقود می‌شود.

در خصوص شرط «استخدام برای جنگیدن» که در بند «الف» مشاهده می‌شود، باید توجه نمود که همانطور که در مباحث قبلی اشاره شد، زمینه‌های فعالیت شرکتهای نظامی و پرسنل آنها بسیار متفاوت است و علاوه بر جنگیدن شامل امور لجستیکی، آموزشی،

←

طراحی و برنامه‌ریزی و غیره نیز می‌باشد که هیچ‌یک از موارد فوق در شمول بند «الف» قرار ندارد. اما در اینجا ذکر دو نکته ضروری است: اول آنکه فارغ از متن قرارداد استخدام، آنچه باید ملاک محاسبه قرار گیرد فعالیت واقعی این افراد است. برای مثال اگر در قراردادی که دولتی با یک شرکت نظامی خصوصی منعقد نموده، موضوع قرارداد آموزش نیروهای مسلح آن دولت توسط شرکت عنوان شده باشد اما در عمل پرسنل شرکت به عملیات جنگی اشتغال داشته باشند، استخدام برای جنگیدن محسوب است و شرط مورد نظر حاصل می‌باشد.^{۳۹} دوم اینکه باید توجه داشت از نظر بسیاری از نویسندگان حقوقی، «جنگیدن» اعم است از عملیات تهاجمی و عملیات تدافعی. بنابراین اینکه پرسنل اینگونه شرکتها در محافظت از افراد، اشیا یا اماکن خاص، با توسل به قوای قهریه به دفاع پردازند و یا به دستور مقام صلاحیتداری در عملیات تهاجمی شرکت نمایند، تفاوتی در تحقق شروط «الف» و «ب» مطروحه در قسمت دوم ماده ۴۷ پروتکل اول الحاقی نخواهد داشت.^{۴۰}

اما در مورد شرط مندرج در بند «د» از آنجا که در زمان تصویب پروتکل، در خلال سالهای ۷-۱۹۷۴، بحث شرکتهای نظامی خصوصی به این اندازه مطرح نبوده است تا حدودی ابهام وجود دارد که آیا منظور تابعیت یا اقامتگاه شرکت به عنوان شخص حقوقی است یا تابعیت یا اقامتگاه پرسنل شرکت. این شرط عیناً در بند «ج» قسمت اول ماده یک کنوانسیون ۱۹۸۹ سازمان ملل هم تکرار شده است و جالب اینجاست که در این کنوانسیون هم مجدداً این ابهام به چشم می‌خورد. حل این مشکل را به ناچار باید به رویه آتی دولتها واگذار نماییم^{۴۱} و تنها اجمالاً می‌گوئیم که در حال حاضر ملاک ما تابعیت یا اقامتگاه کارکنان و پرسنل شرکت است و نه تابعیت یا اقامتگاه خود شرکت. به این معنا که برای مثال، امروز در افغانستان یا عراق چنانچه عده‌ای از پرسنل این شرکتها دارای تابعیت آمریکایی یا انگلیسی باشند از شمول ماده ۴۷ خارج خواهند شد در حالی که همکاران آنها در همان شرکت که تابعیتی بر فرض ایرانی داشته باشند، به عنوان مزدور تلقی

39. Louise Doswald-Beck, "Private Military Companies under International Humanitarian Law", in *From Mercenaries to Market*, Oxford University Press, 2007, pp. 115-138, p. 123.

40. *Ibid.*, p. 122; E-C Gillard, *op. cit.*, p. 569; Lindsey Cameron, "Private Military Companies: Their Status under International Humanitarian Law and its Impact on their Regulation", *International Review of the Red Cross*, *op. cit.*, pp. 573-598, p. 581.

41. Louise Doswald-Beck, *op. cit.*, p. 123.

می‌شوند، البته مشروط بر آنکه سایر شروط هم در مورد آنها مصداق داشته باشد.^{۴۲} در مورد آخرین بند ماده ۴۷ هم لازم به توضیح نیست که اصولاً چنانچه فرد در قالب وظیفه‌ای رسمی توسط دولتی ثالث و به عنوان عضوی از قوای مسلح آن دولت به مأموریت اعزام شده باشد از شمول تعریف «مزدور» خارج است و در غیر این صورت بند «و» محقق خواهد شد.

ملاحظات فوق نشان داد که نمی‌توان به سادگی، کلیه پرسنل شرکتهای نظامی خصوصی را در قالب «مزدور» تعریف نمود و شاید بتوان گفت در شرایط فعلی تنها عده‌ای قلیل از این افراد در داخل تعریف قرار می‌گیرند. باید به یاد داشت که گرچه افرادی که به عنوان «مزدور» قلمداد می‌شوند از دارا بودن وضعیت «رزمنده» و «اسیر جنگی» محروم می‌باشند، اما مطابق مقررات حقوق بین‌المللی بشردوستانه مورد حمایت ماده ۵ کنوانسیون چهارم، ماده ۷۵ پروتکل اول الحاقی، حقوق بشردوستانه عرفی و در نهایت موازین بین‌المللی حقوق بشر قرار دارند.

مبحث سوم: شرکتهای نظامی خصوصی و تعهدات دولتها مطابق حقوق بین‌المللی بشردوستانه

در رویه قضائی تا امروز نمونه‌ای از طرح مسؤولیت دولتها به دلیل اعمال متخلفانه شرکتهای نظامی خصوصی به چشم نمی‌خورد، اما با توجه به مسائل پیش آمده در عراق هیچ بعید نیست که روزی شاهد طرح چنین دعوی‌هایی باشیم و از این رو باید مسأله مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد.^{۴۳} البته ما در این مقاله به دنبال بحث در حوزه ریشه‌های مسؤولیت دولتها نمی‌باشیم. بلکه می‌خواهیم مسأله را تنها از دیدگاه تعهدات دولتها مطابق حقوق بین‌المللی بشردوستانه مورد کنکاش قرار دهیم. بنابراین ابتدا لازم به یادآوری است که مطابق ماده یک مشترک کنوانسیونهای چهارگانه ژنو ۱۹۴۹، دولتهای عضو متعهد به

۴۲. بدیهی است چنانچه ملاک را تابعیت شرکت در نظر بگیریم، وضعیت تمام پرسنل شرکت فارغ از هر تابعیت یا اقامتگاهی که داشته باشند، مشابه یکدیگر خواهد بود و بسته به تابعیت یا اقامتگاه شرکت از شمول تعریف خارج شده یا تعریف مزدور با توجه به سایر شرایط بر همه آنها بار خواهد شد.

43. Avril McDonald, "Some Legal Issues Concerning US Military Contractors in Iraq", In *International Law and Armed Conflict Exploring the Faultlines*, Martinus Nijhoff Publishers, 2007, pp. 358-401, p. 392.

مراعات و تضمین مراعات حقوق بین‌المللی بشردوستانه می‌باشند. این تعهد از جمله تعهدات بین‌المللی دولتهاست که در مخاصمات مسلحانه اعم از بین‌المللی یا غیربین‌المللی باید محترم شمرده شود و امروزه به مثابه حقوق عرفی بین‌المللی به حساب می‌آید.^{۴۴}

در ادامه به پیروی از اعضای نهضت بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر که در سی‌امین کنفرانس بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر در نوامبر سال ۲۰۰۷ در ژنو گردهم آمدند، بحث خود را با تفکیک میان تعهدات دولتهایی که شرکتهای نظامی را استخدام می‌نمایند، دولتهایی که این شرکتها در قلمرو سرزمینی آنها به فعالیت می‌پردازند و نهایتاً دولتهای متبوع اینگونه شرکتها یا دولتهایی که اتباع آنها در این قبیل شرکتها مشغول کار می‌باشند، پی می‌گیریم.^{۴۵}

الف - دولتهایی که شرکتهای نظامی خصوصی را استخدام می‌نمایند

برطبق کنوانسیونهای چهارگانه ژنو و پروتکل‌های الحاقی به آنها، دولتها اولاً متعهد شده‌اند که نیروهای نظامی تحت امر خود را از موازین بین‌المللی حقوق بشردوستانه آگاه سازند و در این رابطه آنان را تعلیم دهند،^{۴۶} ثانیاً دولتها باید فرامین و دستورالعملهایی را جهت تضمین رعایت حقوق بین‌المللی بشردوستانه صادر نموده و بر حسن اجرای آنها نظارت نمایند.^{۴۷} ثالثاً دولتها برای تضمین مراعات حقوق بشردوستانه باید از فرماندهان خود بخواهند تا از موارد نقض جلوگیری کرده و در صورت لزوم با آن مقابله نموده و موارد نقض را به مقامات ذیصلاح گزارش کنند.^{۴۸}

با عنایت به تعهدات بین‌المللی فوق، می‌توان گفت چنانچه نقضی در حوزه حقوق

۴۴. نک: قاعده شماره ۱۳۹ در:

Jean-Marie Henckaerts and Louise Doswald-Beck, *Customary International Humanitarian Law*, v. I, Cambridge University Press, 2005, pp. 495-498.

۴۵. 30 IC/07/8. 4, op. cit.

۴۶. نک: مواد ۳۹ و ۱۲۷ کنوانسیون سوم، مواد ۹۹ و ۱۴۴ کنوانسیون چهارم و بند ۲ ماده ۸۳ و بند ۲ ماده ۸۷ پروتکل اول.

۴۷. نک: بند ۲ ماده ۸۰ پروتکل اول.

۴۸. نک: بند ۱ ماده ۸۷ پروتکل اول.

بین‌المللی بشردوستانه توسط شرکتهای نظامی خصوصی رخ دهد و این عمل متخلفانه، قابل انتساب به دولتی باشد که به استخدام شرکت مبادرت نموده است، آن دولت مسؤولیت بین‌المللی این عمل را بر دوش می‌کشد. البته تحلیل مباحث مربوط به قابلیت انتساب و مسؤولیت دولتها در حقوق بین‌الملل از حوصله این مقاله خارج است و ما در اینجا تنها با مروری بر مواد طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل در سال ۲۰۰۱ درخصوص مسؤولیت بین‌المللی دولتها در مورد اعمال متخلفانه بین‌المللی،^{۴۹} بحث خود را ادامه می‌دهیم.^{۵۰}

اول آنکه مطابق بند ۱ ماده ۴ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل، چنانچه عملی از سوی هریک از ارگانهای دولتی سرزند، آن عمل قابل انتساب به دولت می‌باشد. بنابراین اگر شرکتهای نظامی خصوصی و افراد آنها در قالب نیروهای مسلح یک دولت عمل نمایند، اعمال آنها قابل انتساب به آن دولت است، زیرا به عنوان یکی از کارگزاران دولت عمل نموده‌اند.

دوم اینکه همانطور که پیشتر ذکر شد، کارکنان شرکتهای خصوصی نظامی می‌توانند به عنوان نیروهای مسلح دولت قلمداد نشوند بلکه به عنوان غیرنظامیانی عادی باشند و یا غیرنظامیانی که نیروهای مسلح را همراهی می‌نمایند بدون آنکه از جمله اعضای نیروهای مسلح شمرده شوند. ماده ۵ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل اشعار دارد اقدامات افراد و نهادهایی که به عنوان ارگان دولتی محسوب نمی‌شوند، اما به موجب قوانین دولتی از جانب دولت به اعمال برخی عناصر حاکمیت دولت می‌پردازند، می‌تواند به عنوان اقدام آن دولت محسوب شود. بنابراین در صورتی که این شرکتها و یا پرسنل آنها دارای چنین اختیاری از جانب دولت باشند، اقدامات آنها، به مثابه اقدامات دولت خواهد بود و بنابراین می‌تواند زمینه‌ساز طرح مسؤولیت بین‌المللی دولت گردد. البته همانطور که ملاحظه می‌کنید، در اینجا پیچیدگی‌های خاصی در بحث وجود دارد که ما را بر آن می‌دارد تا از صدور یک حکم کلی پرهیز کنیم و در هر مورد با توجه به اوضاع و احوال

49. UN Doc A/56/10, Chapter IV. E. 1.

۵۰. برای مطالعه بیشتر در خصوص قابلیت انتساب اعمال شرکتهای خصوصی نظامی به دولتها، نک:

Katja Weigelt and Frank Marker, "Who is Responsible? The Use of PMCs in Armed Conflict and International Law", in *Private Military and Security Companies*, op. cit., pp. 377-394; Avril McDonald, op. cit.; Chia Lehnardt, "Private Military Companies and State Responsibility", in *From Mercenaries to Market*, op. cit., pp. 139-157.

خاص آن مورد، نسبت به انتساب اعمال اینگونه شرکتها - که رسماً به عنوان ارگان دولتی نمی‌باشند - به دولتها، اتخاذ تصمیم نمائیم.

سوم آنکه مطابق ماده ۸ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل، چنانچه فرد یا گروهی از افراد طبق دستور، فرماندهی و تحت کنترل یک دولت عمل نمایند، اقدامات آنها مطابق حقوق بین‌الملل، قابل انتساب به آن دولت می‌باشد. باید گفت در واقع غالب فعالیت‌های شرکت‌های نظامی خصوصی که در استخدام دولتها می‌باشند، اصولاً می‌تواند در قالب این ماده قابل انتساب به دولتها باشد. چراکه می‌توان در مقام تفسیر ماده ۸ طرح، قراردادهای موجود میان شرکت‌های نظامی و دولتها را به عنوان ابزار کنترل و فرماندهی دولت قلمداد نمود. زیرا از دولتها انتظار می‌رود به هنگام تنظیم قرارداد، همواره ترتیبات نظارتی خود را بر اعمال و اقدامات شرکت‌های نظامی خصوصی، مدنظر داشته باشند. البته عده‌ای بر این نظرند که باید در تفسیر ماده ۸ طرح بر آن باشیم که مسئولیت بین‌المللی دولت طبق این ماده تنها زمانی محقق می‌گردد که دولت، شرکتی نظامی را برای نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه استخدام نموده باشد و چنانچه دولت، شرکتی را برای انجام یکسری اقدامات مشروع استخدام کند و آن شرکت در اجرای تعهدات خود، مرتکب اعمال متخلفانه‌ای گردد، این اعمال قابل انتساب به دولت نخواهد بود.^{۵۱} در پاسخ به این عده اولاً می‌توان به ماده یک مشترک کنوانسیونهای چهارگانه ژنو ۱۹۴۹ استناد نمود که مراعات و تضمین مراعات حقوق بشردوستانه را از جمله تعهدات بین‌المللی دولتها دانسته است و ثانیاً با اندکی تأمل باید تردید نمود که دولتهای زیادی یافت شوند که در قالب قراردادی صریحاً از شرکت‌های نظامی، خواهان نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه باشند. ثالثاً ماده ۷ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل و ماده ۹۱ پروتکل الحاقی اول ۱۹۷۷ به کنوانسیونهای ژنو ۱۹۴۹ به نحوی اقدامات "*ultra vires*" از جانب مأموران دولتی را نیز موجب طرح مسئولیت بین‌المللی دولت دانسته‌اند. البته مسلم است که با توجه به آراء دیوان بین‌المللی دادگستری بویژه در قضایای اقدامات نظامی و شبه‌نظامی علیه نیکاراگوئه (۱۹۸۶) و اجرای کنوانسیون ژنوساید (۲۰۰۷)، در اعمال ماده ۸ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل همواره باید به میزان و درجه کنترلی که از سوی دولت اعمال می‌شده است، توجه ویژه‌ای

51. E-C Gillard, *op. cit.*, p. 555.

گردد.

به‌طور کلی و به‌عنوان نتیجه‌گیری می‌توان گفت، با توجه به تعهدات بین‌المللی دولتها درخصوص مراعات و تضمین مراعات حقوق بشردوستانه، چنانچه دولتی به استخدام شرکتهای خصوصی نظامی مبادرت ورزد و اقدامات آن شرکت متضمن نقض حقوق بشردوستانه بین‌المللی باشد، علی‌الاصول زمینه طرح مسؤولیت دولتی که شرکت و کارکنان آن را در استخدام خود دارد، فراهم می‌گردد، مگر آنکه ثابت شود اعمال شرکت و یا پرسنل آن قابل انتساب به دولت نیست.

ب - دولتهایی که شرکتهای نظامی خصوصی در قلمرو سرزمین آنها به فعالیت می‌پردازند

شرکتهای نظامی خصوصی ممکن است از طرف دولتها، سازمانهای بین‌المللی، سازمانهای غیردولتی و یا هر نهاد دیگری استخدام شوند. بنابراین ممکن است گاهی دولتی که اینگونه شرکتهای را استخدام می‌نماید، مأموریت آنها را در خاک سرزمین خود تعیین کند و همچنین محتمل است که مانند مثال عراق، شرکت توسط دولتی دیگر (مثلاً ایالات متحده) استخدام شود تا در گوشه‌ای دیگر از جهان و خارج از قلمرو موجودیت استخدام‌کننده و در خاک دولتی دیگر به فعالیت بپردازد. بنابراین از دولتهایی که به‌عنوان میزبان شرکتهای خصوصی نظامی محسوب می‌گردند، انتظار می‌رود تا با وضع قواعد و مقرراتی، بر عملکرد این شرکتهای و کارکنان آنها نظارت داشته باشند. در حال حاضر تنها دو کشور عراق و سیرالئون در این مورد اقدام تقنینی انجام داده‌اند.^{۵۲}

علی‌الاصول دولتهایی که سرزمین آنها عرصه فعالیت شرکتهای نظامی خصوصی قرار می‌گیرد مشروط بر آنکه طرف مخاصمه نباشند، می‌توانند در گام نخست فعالیت آنها را موکول به دریافت مجوز خاصی نمایند و پیش‌شرط دریافت این مجوز را آموزش و مهارت کارکنان این شرکتهای در مراعات حقوق بشردوستانه قرار دهند.^{۵۳} همچنین اینگونه دولتها

52. *Ibid.*, p. 558.

۵۳. برای مطالعه بیشتر در خصوص نحوه تنظیم قرارداد و صدور مجوز برای شرکتهای خصوصی نظامی نک:

Michael Cottier, "Elements for Contracting and Regulating Private Security and Military Companies", *International Review of the Red Cross*, op. cit., pp. 637-664; Laura A. Dickinson, "Contract as a Tool for Regulating Private Military Companies", in *From Mercenaries to Market*, op. cit., pp. 217-238.

می‌توانند با وضع قوانین کیفری لازم و جامع، زمینه‌های تعقیب و محاکمه آن دسته از کارکنان شرکتهای نظامی را که مرتکب نقض حقوق مخاصمات مسلحانه شده‌اند، فراهم آورند.

به هر حال نظر به تعهد بین‌المللی و جهانشمول تمامی دولتها به مراعات و تضمین مراعات حقوق بین‌المللی بشردوستانه، دولتهای میزبان این شرکتهای نیز باید در اجرای این تعهد بین‌المللی خود تلاش نموده تا موجبات طرح مسؤولیت بین‌المللی آنان فراهم نگردد. البته همواره باید به یاد داشت که در اینجا صحبت از تعهدات بین‌المللی از نوع تعهد به نتیجه نمی‌باشد،^{۵۴} اما به هر حال همانطور که دیوان بین‌المللی دادگستری در سال ۱۹۴۹ در قضیه تنگه کورفو و در سال ۱۹۸۰ در قضیه کارکنان دیپلماتیک و کنسولی ایالات متحده در تهران مطرح نموده است، می‌توان مسؤولیت بین‌المللی دولتها را به علت ترک فعل^{۵۵} نیز مطرح نمود.

ج - دولتهای متبوع شرکتهای نظامی خصوصی و یا کارکنان آنها

به‌طور کلی دولتهای متبوع شرکتهای خصوصی نیز می‌توانند با ایجاد نظامی تقنینی، تا حدودی بر فعالیت این شرکتهای حتی در خارج از خاک خود نظارت داشته باشند.^{۵۶} در واقع دولتهای متبوع این شرکتهای هم مانند دولتهایی که در بخش قبل از آنها صحبت به میان آمد، می‌توانند در صدور مجوز فعالیت برای شرکتهای نظامی خصوصی نظارت کنند و در عمل حداقل استانداردهایی را برای تشکیل، ثبت و فعالیت اینگونه شرکتهای لحاظ نمایند تا به تعهد خود در تضمین مراعات حقوق بشردوستانه جامه عمل پوشانند. برخی از حقوقدانان به عنوان نمونه به صدور مجوزهای کوتاه مدت و اجبار شرکتهای به تمدید مجوز یا به وضع قوانینی در منع شرکتهای نظامی خصوصی برای مشارکت مستقیم در

54. Louise Doswald-Beck, *op. cit.*, p. 134; E. L. Gaston, *op. cit.*, pp. 243-244.

55. Omission.

۵۶. البته تا امروز تنها دولتی که مبادرت به تصویب قانون برای اعمال کنترل خود بر شرکتهای نظامی تبعه خود نموده دولت آفریقای جنوبی است که در سال ۱۹۹۸ مبادرت به وضع قانون نموده است. دولت انگلستان نیز به عنوان موطن تعداد معتنابهی از این شرکتهای درصدد تصویب قانونی برای اعمال کنترل خود بر اقدامات این شرکتهای و کارکنان آنها می‌باشد. برای مطالعه بیشتر نک:

Christopher Kinsey, "Regulation and Control of Private Military Companies: The Legislative Dimension", *Contemporary Security Policy*, v. 26 (1), 2005, p. 1.

مخاصمات اشاره دارند.^{۵۷} همچنین برای هماهنگی بیشتر میان کشورها و در نتیجه اعمال نظارت فراگیرتر بر عملکرد شرکتهای نظامی خصوصی، برخی، از وضع مقرراتی در سطح منطقه‌ای مثلاً توسط اتحادیه اروپا، سخن به میان آورده‌اند.^{۵۸} همانطور که مشاهده می‌شود و به عنوان نتیجه‌گیری می‌توان گفت که دول متبوع شرکتهای نظامی خصوصی نیز می‌توانند با وضع قواعد و مقرراتی متنوع، شرایطی را فراهم آورند که در گام نخست شرکتهایی که به نظر می‌رسد عامل نقض حقوق بین‌المللی بشردوستانه خواهند بود، نتوانند مجوز فعالیت را از مجاری قانونی کسب نمایند و در گام بعدی با اعمال نظارتی همه‌جانبه خواهند توانست با خودداری از تجدید یا تمدید مجوز این شرکتها، آنان را به مراعات اصول و موازین حقوق بشردوستانه وادار سازند.

از سویی دیگر به نظر می‌رسد حتی دولتهایی که تنها اتباع آنها در این شرکتها مشغول کار می‌باشند نیز می‌توانند در جهت تضمین مراعات حقوق بین‌المللی بشردوستانه، با توسعه صلاحیت کیفری محاکم خود شرایطی را فراهم کنند که چنانچه هریک از اتباع آنها که در این شرکتها در خارج از کشور مشغول کار هستند، به نقض قواعد حقوق بشردوستانه مبادرت نمود، بی‌کیفر نماند و توسط محاکم ملی محاکمه و مجازات شود.^{۵۹}

نتیجه‌گیری

همانطور که پیشتر از نظر گذشت، افزایش و توسعه دامنه فعالیت‌های شرکتهای نظامی خصوصی بویژه میزان مشارکت مستقیم این شرکتها و کارکنان آنها در درگیری‌های مسلحانه معاصر، عده‌ای را بر آن داشته تا در اظهارنظرهای خود، از وجود خلأ حقوقی در مواجهه با اینگونه شرکتها و کارکنان آن سخن به میان آوردند. در این نوشتار تنها تلاش شد با توجه به قواعد و مقررات حقوق بین‌المللی بشردوستانه، وضعیتهای گوناگونی را که از نظر حقوق بشردوستانه می‌توان برای کارکنان این شرکتها در نظر گرفت، مورد ارزیابی و مذاقه قرار دهیم و مشخص نمائیم که برخلاف نظر این عده، با وجود چالشهایی که ممکن است در تعیین وضعیت دقیق حقوقی کارکنان این شرکتها به چشم بخورد، اما به‌طور کلی

57. E-C Gillard, *op. cit.*, p. 560.

58. *Ibid.*; Elke Krahnmann, "Regulating Private Military Companies: What Role for the EU?", *Contemporary Security Policy*, n. 26, 2006, p. 103.

59. 30 IC/07/8. 4, *op. cit.*

حقوق بین‌المللی بشردوستانه نه تنها می‌تواند جایگاه حقوقی این افراد را از حیث نظامی، غیرنظامی یا مزدور بودن تا حدود زیادی مشخص کند بلکه با تأکید بر تعهد عمومی دولت‌ها به مراعات و تضمین مراعات حقوق بشردوستانه، می‌تواند زمینه‌های طرح مسوولیت بین‌المللی دولت‌ها را نیز در خصوص اقدامات متخلفانه شرکت‌های نظامی خصوصی فراهم آورد تا از یک‌سو دولت‌ها را به اعمال نظارتی دقیق بر عملکرد این شرکت‌ها و کارکنان آنان سوق دهد و از سوی دیگر زمینه‌های بی‌کیفری آن دسته از کارکنان این شرکت‌ها که با نقض قواعد حقوق بین‌المللی بشردوستانه به ارتکاب جنایات و جرائم جنگی مبادرت نموده‌اند را محدودتر سازد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. VI, No. 2

2007-2

Articles

- The SC Resolution 1803: Objective Dimensions of Iran's Nuclear Rights
- Legal Relations of Parties to Electronic Letter of Credit
- Illegality of Holding more than One Public Post in Iran: With a Glance at the French Legal System
- Private Military and Security Companies and International Humanitarian Law
- The Criterion of Political Offence in French Law and Effect of Supreme Courts on It
- Non-physical Harms and Compensatory Measures: A Comparative Study

Special Issue: Traffic Law

- The Impact of the Traffic Regulations on Social Behaviors
- Insurance and Traffic Law: A Connective Relationship
- Rights and Duties of the Pedestrians
- An Overview of Legal Measures to Protect Pedestrians
- Unintentional Homicide and Wounding Resulting from Driving Faults
- United Nations and Campaign against "Global Road Traffic Crisis"

Critique and Presentation

- A Critique of the Iranian Patents Act of 2008
- Policies and Procedures of the Interpol in Combating International Drug Trafficking

ISSN: 1682-9220



S. D. I. L.
The S.D. Institute of Law
Research & Study